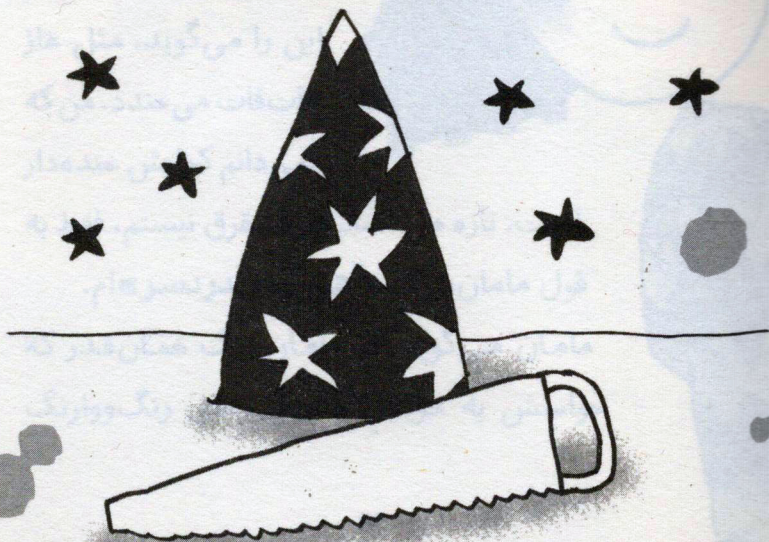


پنی قشقرق

زندگی تازه‌ای  
شروع می‌کند



# راستش را بخواهید اسم من واقعاً پنی قشقرق نیست، پیلوپه جونز است!

لقب «قشقرق» را بابایم  
به شوخی گذاشته روی  
من. به خاطر این می‌گویم  
به شوخی، چون که هر وقت  
این را می‌گوید، مثلِ غاز  
قات قات می‌خندد. من که  
نمی‌دانم کجایش خنده‌دار

است. تازه من اصلاً هم قشقرق نیستم، فقط به  
قولِ مامان بزرگ «آهن‌رُبایِ درِ دسر» ام.  
مامان می‌گوید اگر مامان بزرگ همان قدر که  
حواسش به خریدنِ دستگیره‌های رنگ‌ووارنگِ



و خواهرِ بزرگم، دیسی (که خیلی اعصاب خردکن است) داشتیم  
 سریالِ تلویزیونی نجاتِ حیوانات را تماشا می‌کردیم. همان  
 سریالی که همیشه تویش حیواناتی تا پای مرگ می‌روند، اما  
 بعدش به‌طور معجزه‌آسایی زنده می‌مانند.



آشپزخانه است، حواسش به من هم بود، این قدر در دسر درست  
 نمی‌کردم. مامان بزرگ هم می‌گوید اگر مامان همه‌اش سرگرم  
 جواب دادن به تلفن‌های دکترسیمنت نبود (رئیس مامان را  
 می‌گوید که چشم‌هایش مثلِ دو تا تخم مرغِ آب‌پز ورقلمبیده  
 است و به‌خاطر همین همه بهش می‌گویند دکترچشم‌مگسی)  
 و بابا هم این قدر مشغولِ حل و فصلِ بحران‌های شورای شهر  
 نبود، آن وقت شاید آن‌ها می‌توانستند بحران‌های پلاک ۷۳  
 خیابانِ رولینز رود (یعنی خانه‌مان) را حل کنند.

پس همان‌طور که می‌بینید، من خیلی هم تقصیرکار نیستم.  
 اما این آهن‌رُبای در دسر بودن، وقتی تصمیم می‌گیری زندگی  
 تازه‌ای شروع کنی، خیلی خیلی اعصاب خردکن می‌شود.  
 منظورم وقتی است که تصمیم می‌گیری دیگر هیچ وقت  
 در دسر درست نکنی و حُب، این با خاصیت آهن‌رُبایات  
 اصلاً جور در نمی‌آید.

ماجرا این بود که من و مامان بزرگ و بری (گربه‌ی مامان بزرگ)

این بود که چون تُستر هنوز توی برق بوده، برق گرفته بودش و موهایش سیخ سیخ شده بود، مثل موهای هوگو برایش، که از بچه‌های سال ششمی مدرسه‌مان است و صدایش می‌کنیم «جوجه تیغی» (البته آقای شومان، مدیر مدرسه‌مان، می‌گوید اصلاً کار درستی نیست که روی هم اسم بگذاریم، ولی خودِ هوگو بود که اولین بار این اسم را به کار برد. برای همین مسئله پیچیده‌تر از این حرف‌هاست).



این قسمتِ سریال درباره‌ی سگی به نام کالین بود، یک دردسرِ تمام‌عیار. کارش این بود که چاله بکند و هر چیزی که به دستش می‌آید، خاک کند. مثلاً:

۱. یک شلوارِ قرمز

۲. یک عروسکِ اپتیموس پرایم، رهبرِ اتوبات‌ها<sup>۱</sup>

پ. یک همزنِ مخصوصِ شیرینی‌پزی

۱. اتوبات‌ها گروهی از ربات‌ها هستند که به رهبری رباتی به نام اپتیموس پرایم، در مجموعه کارتون‌ها و فیلم‌های محبوب «ترانسفورمرز»، نقش مثبت را بر عهده دارند و با نیروهای شر مبارزه می‌کنند.

اما این دفعه دیگر واقعاً

خیلی پیشرفت

کرده بود! و پُرروپُررو

می‌خواست یک تُستر

را زیرِ بوته‌های بنفشه

خاک کند. فقط مشکل

